

عوامل موثر بر شکل گیری ایران هراسی در افغانستان و راهکار های مقابله با آن

امیر محمد حاجی یوسفی^۱

راضیه اکبری^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی عوامل موثر بر شکل گیری ایران هراسی در افغانستان و راهکارهای مقابله با آن پرداخته و به دنبال پاسخگویی به این سوال اصلی است که: مهمترین عوامل تاثیرگذار بر شکل گیری ایران هراسی در افغانستان پس از حمله ی آمریکا تاکنون کدام است؟ فرضیه ای که در پاسخ به سوال فوق ارائه شده به این صورت می باشد که: سیاست های ضد ایرانی کشورهای فرامنطقه ای (عمدتا آمریکا) و منطقه ای (عمدتا عربستان سعودی) عامل اصلی شکل گیری و گسترش ایران هراسی در افغانستان می باشد همچنین از سیاست های غیرمنسجم و بعضا نادرست ایران در قبال مهاجرین افغانستانی به عنوان عامل تسهیل کننده ایران هراسی در افغانستان نام برده شده است. با استفاده از محتوای چهار روزنامه منتشره در افغانستان طی سال های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ به چند و چون ایران هراسی در این کشور پرداخته شده و سپس مهمترین عوامل تاثیر گذار بر آن بررسی می گردد. در پایان نیز به ارایه راهکارهایی برای مقابله با ایران هراسی اشاره می شود.

واژگان کلیدی: ایران هراسی، افغانستان، ایران، دیپلماسی عمومی

^۱ دانشیار علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

am-yousefi@sbu.ac.ir

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

raziyehakbari1370@gmail.com

مقدمه

ایران و افغانستان از دیرباز دارای روابط گسترده و مستحکمی با یکدیگر بوده‌اند. این روابط هرچند در سالهای مختلف با فراز و فرودهایی همراه بوده است، اما پیوسته در جریان بوده و قطع نشده است. اکنون چالش‌هایی فراروی روابط حسنه این دو کشور همسایه وجود دارد که هرچه زمان می‌گذرد برای هر دو کشور اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. شاید بتوان گفت بیشترین و مهم‌ترین چالش در روابط ایران و افغانستان نخست به مسئله وضعیت بی‌ثبات سیاسی و داخلی افغانستان و سپس نقش بازیگران خارجی در این کشور برمی‌گردد. در طول تاریخ معاصر، افغانستان به مثابه‌ی دولت حائل^۳ همواره تحت نفوذ دولت‌های خارجی بوده و هریک از این دولت‌ها اهداف خاصی را برای نفوذ خود دنبال می‌کردند. وضعیت داخلی این کشور نیز کمک زیادی به این مسئله نموده است. وضعیتی که در افغانستان شاهد آن هستیم ثمره‌ی عوامل داخلی و خارجی‌ست و باعث شده از چند جهت مورد توجه و اهمیت قرارگیرد.

حضور و نفوذ ایران در افغانستان بویژه بعد از سقوط طالبان موجبات واکنش قدرت‌های رقیب را فراهم آورده تا علاوه بر انجام اقدامات سخت‌افزارانه برای مهار ایران، در عرصه‌ی نرم افزاری نیز به مقابله با گسترش نفوذ و مهار ایران، پردازد. دامن زدن به پدیده‌ی ایران‌هراسی از جمله این اقدامات به شمار می‌آید. امروزه ایران‌هراسی به یکی از اصلی‌ترین ابزارهای دشمنان ایران بدل شده است که البته پیش از این بیش از همه توسط قدرت‌های غربی به کار گرفته می‌شد. اما، طی سال‌های اخیر توسط مخالفان و رقبای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. ایران‌هراسی هر چند یک گستره بین‌المللی یافته و از طریق آن دشمنان و رقبای ایران تلاش می‌کنند در بسیاری از رسانه‌های جهان و منطقه

^۳ - buffer zone:

چهره‌ای نامناسب از ایران به جهانیان و به ویژه مردم مسلمان منطقه ارائه دهند در سال های اخیر به افغانستان هم رسیده است. این شرایط نشان دهنده این است که وضعیت ایران در افغانستان در حال تبدیل شدن به یک بحران جدی است. نظر به اهمیت این موضوع مقاله ی حاضر، در پی واکاوی چیستی و چرایی رواج "پدیده ی ایران هراسی" (ولو به صورت محدود) در افغانستان می‌باشد. این پژوهش تلاش دارد تا به این سوال پاسخ بدهد که مهمترین عوامل تاثیرگذار بر شکل گیری ایران هراسی در افغانستان پس از حمله ی آمریکا در سال ۲۰۰۱ تاکنون کدام است؟ و این فرضیه را به عنوان پاسخ مطرح می کند: سیاست های ضد ایرانی کشورهای فرامنطقه ای (عمدتا آمریکا) و منطقه ای (عمدتا عربستان سعودی و پاکستان) و عوامل داخلی، عامل اصلی شکل گیری و گسترش ایران هراسی در افغانستان می باشد همچنین به نظر می‌رسد سیاست های غیرمنسجم و بعضا نادرست ایران در قبال مهاجرین افغانستانی عامل دیگری در راستای شکل گیری فرآیند ایران هراسی در افغانستان می باشد.

سابقه تحقیق:

در این بخش به مروری بر برخی مطالعات که در این زمینه صورت گرفته می پردازیم تا تمایز و نوآوری مقاله را خاطر نشان سازیم. در مورد افغانستان منبع موثقی یافت نشد اما درباره ایران هراسی به صورت کلی منابع بسیاری وجود دارد. برای نمونه هگایی رام^۴ کارشناس صهیونیستی مسائل خاورمیانه در کتاب **ایران هراسی: منطق یک عقده ی روحی اسرائیلی** که دانشگاه استفورد آن را به چاپ رسانیده است دو دلیل عمده ی رشد گفتمان ایران هراسی در

غرب را دیدگاه‌های انتقادی جمهوری اسلامی ایران در قبال لیبرال دموکراسی و مخالفت صریح این کشور با رژیم اسرائیل برمی‌شمارد (Ram, 2008).

محسن شریعتی‌نیا در مقاله‌ی "ایران‌هراسی دلایل و پیامدها"، به پیامدهای ناشی از این موضوع پرداخته است و دلایل این پدیده را بر موقعیت بین‌المللی ایران مورد بررسی قرار داده است که موجب شکل‌گیری ائتلافی با محوریت آمریکا برای محدود کردن ایران شده است (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۹). در این مقاله، نویسنده ایران‌هراسی را معلول دو دسته عوامل ساختاری و غیرساختاری می‌داند؛ قدرت، مجاورت جغرافیایی و قدرت تهاجمی از علل ساختاری ایران‌هراسی هستند و نیت تهاجمی و ترویج ایران‌هراسی از علل غیرساختاری آن محسوب شده‌اند و پیامد ایران‌هراسی را، شکل‌گیری ائتلافی چرخ-پره‌ای با محوریت آمریکا و با اتخاذ استراتژی‌های موازنه‌گری سخت و نرم برای محدود کردن ایران می‌داند. با توجه به اینکه؛ نظم منطقه‌ای در خاورمیانه در هنگامه‌ی انتقال قدرت است متأثر از روند قدرت‌یابی ایران، این کشور حوزه‌ی منافع خود را باز تعریف کرده و در پی عملی کردن خواست تغییردرنظم منطقه‌ای برآمده است بنابراین طبیعی است که تلاش ایران برای سمت‌بخشی به روند انتقال قدرت در منطقه و بازتعریف نظم منطقه‌ای، با موانع جدی‌ای از سوی بازیگران دیگر مواجه شود و در این راستا آنان با توسل به استراتژی‌های مختلف، در پی توقف این امر برآیند. در منطقه نویسنده معتقد است که در پرتو این امر، هزینه‌ی قدرت‌یابی ایران به قدری افزایش می‌یابد تا انتقال قدرت، غیرممکن شود و با توجه به اهمیت استراتژیک این موضوع از منظرمنافع ملی، به واکاوی علل و پیامدهای این پدیده پرداخته شده است. در این جهت این مقاله به دو بخش تقسیم شده است که در بخش اول، علل و عوامل ایران‌هراسی را بیان نموده است و در بخش دوم آثار و تبعات این پدیده را از منظر منافع کشور تبیین کرده است.

"انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و پروژه‌ی ایران‌هراسی دولت‌های عربی منطقه"، نوشته‌ی علی‌آدمی و سید مهدی حبیبی و رامین بخشی‌تلیابی که به بررسی رویکرد دولت‌های عربی

منطقه خاورمیانه در قبال انقلاب اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. این مقاله در پی پاسخگویی به این مسئله است که انقلاب اسلامی به عنوان منشا بیداری اسلامی چه تاثیری بر مواضع و رویکرد های کشورهای عربی منطقه در قبال سیاست خارجی ایران داشته و مدعی است تلاش این کشورها در راستای مهار ایران به سبب نگرانی آنها از احتمال تکرار وقوع انقلاب اسلامی در کشورهای خود است (آدمی و دیگران، ۱۳۹۱). در این پژوهش تلاش می‌شود تا ضمن بررسی مواضع و رویکردهای رهبران و نخبگان سیاسی کشورهای عربی منطقه حوزه خلیج فارس نسبت به جمهوری اسلامی ایران و بررسی برخی از سیاست های اتخاذ شده از سوی ایران که البته منبعث از مبانی و اصول انقلاب اسلامی است، به بررسی علل این رویکرد اعراب می‌پردازد. اهمیت این پژوهش در این است که نشان می‌دهد ریشه های بی اعتمادی و روابط خصمانه و تهاجمی کشورهای عربی منطقه با جمهوری اسلامی ایران از یک طرف ناشی از درک و برداشت تهاجمی این کشورها از اصول و مبانی انقلاب اسلامی است و از طرفی دیگر به ماهیت غیردموکراتیک و محافظه کار این رژیم‌ها برمی‌گردد.

پژوهشی دیگر نوشته نورالدین اکبری کریم آبادی تحت عنوان " نقش رسانه های غربی در شکل گیری پدیده ایران هراسی " می‌باشد. نویسنده در این اثر ضمن تشریح علل و زمینه‌های شکل‌گیری پدیده ایران هراسی، نقش رسانه های غربی در تبلیغ و ترویج آن را بررسی می‌کند (اکبری کریم آبادی، ۱۳۹۳). امروزه رسانه‌های جمعی به عنوان منبع مهم قدرت در جهت منافع افراد، گروه ها و کشورها به شمار می‌روند. از این رو تاثیر رسانه‌ها و نقش مسلط آنها در شکل دهی و جهت دادن و مدیریت افکار عمومی در راستای یک موضوع خاص، برکسی پوشیده نیست. نظریه پردازان غربی و جهت دهندگان به رسانه‌های جمعی کاملاً به این امر واقف هستند که تغییر دنیای ذهنی انسان ها و افکار عمومی با ارائه ی داده‌های غلط به آن‌ها امکان پذیر است. با توجه به این امر، رسانه‌های غربی وقایع و حوادث

جهان را با نگاه خود رصد و به مخاطبان خود ارائه می‌دهند و متناسب با اهداف و ایدئولوژی خاص خودشان و با استفاده از این داده‌های غلط است که تصورات غیر واقعی در مورد ایران و انقلاب اسلامی شکل می‌گیرد. در نتیجه با عنایت به این سوگیری‌ها و تحریف‌هاست که تصورات غیر واقعی درباره ایران و مردم شکل می‌گیرد، در حالی که واقعیت چیز دیگری است. در بیشتر این موارد هدف اصلی مقابله با ایران و گسترش نفوذ معنوی ایران در منطقه است.

غلام رضا چگینی زاده با همکاری سردار محمد رحیمی و ماندانا تیشه یار به درک نخبگان جامعه‌ی افغانستان نسبت به سیاست‌های امنیتی، اقتصادی و مذهبی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران بر اساس روش تحلیل محتوای کمی پرداخته‌اند و با توجه به نتایج بدست آمده، بررسی شاخص اعتماد به جمهوری اسلامی، شرایط مطلوبی را نشان نمی‌دهد (چگینی زاده و همکاران، ۱۳۹۷). این تحقیق به خوبی نشان‌دهنده‌ی واقعیت روابط و نگاه یک همسایه به همسایه‌ی دیگر را بیان می‌کند. هدف اصلی این تحقیق به دست آوردن نگرش و ادراک نخبه‌گان جامعه‌ی افغانستان نسبت به سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران (سیاست‌های امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی) در افغانستان است. این تحقیق به روش پیمایشی و با الهام از نظریه‌ی رابرت جرویس در ده ولایت کشور و در میان طیف نخبه‌گان جامعه‌ی افغانستان انجام شده است. حجم نمونه در این تحقیق ۷۳۰ نفر است، ۶۱ درصد آن را مردان و ۳۹ درصد را زنان تشکیل داده است. همچنین ۶۹ درصد نمونه‌ها در این تحقیق را اهل سنت، ۳۰ درصد را اهل تشیع و ۱ درصد را سایر مذاهب تشکیل داده است. ۳۴,۵ درصد نمونه‌ها در این تحقیق را پشتون‌ها، ۳۰,۹ درصد را تاجیک‌ها، ۲۱,۶ درصد را هزاره‌ها و ۱۲,۸ درصد را بقیه اقوام تشکیل داده است.

همان گونه که مشخص است تحقیقی جدی در باب ایران‌هراسی در افغانستان وجود ندارد. دولت‌های غربی، دولت‌های وابسته به غرب در منطقه و گروه‌هایی مانند گروه‌های تکفیری هر یک از سویی قدرت نرم ایران را هدف قرار داده‌اند تا با کاهش محبوبیت ایران از اثرگذاری آن

بکاهند. در این مقاله نگارندگان تلاش دارند عوامل موثر برافزایش هراسی را در افغانستان مورد بررسی قرار دهند و راهکار هایی جهت مقابله با این فرآیند را مطرح کنند.

روش پژوهش:

برای پی بردن به چند و چون ایران هراسی در افغانستان با استفاده از روش تحلیل محتوا به بررسی پدیده ایران هراسی در مطبوعات افغانستان پرداخته ایم و از میان مطبوعات موجود در کشور افغانستان تعداد ۴ روزنامه (روزنامه اطلاعات روز، ماندگار، اصلاح، هشت صبح) که در سال ۱۳۹۶-۹۷ منتشر شده اند که در آنها با استفاده از واژه‌هایی همچون ایران هراسی و.. فراوانی خبر، گزارش، یادداشت و .. استخراج گردید، به عنوان حجم نمونه انتخاب گردید. علت انتخاب مقطع مزبور افزایش قابل توجه حجم مطالب مرتبط با مقوله ی ایران هراسی در این دو سال بوده است و البته ادعای تعمیم یافته ها به همه ی دوره مورد اشاره در این پژوهش مدنظر نیست.

ایران هراسی در افغانستان و ابعاد آن:

هراس یا فوبیا (Phobia) به معنای ترس یا بیزاری نامعقول از یک چیز است. گفتنی است که کلمه "فوبیا" دو کاربرد کلی و متفاوت دارد. گاه در روانشناسی در مورد افراد به معنای نوعی بیماری به کار می رود و گاه در زمینه اجتماعی و در کنار اصطلاحات مربوط به ضدیت با اقوام و ملیتها استفاده میشود. بدیهی است که مورد نخست فاقد دلالت سیاسی است ولی مورد دوم دلالتی سیاسی دارد (مرشدی زاد، ۱۳۸۸: ۱۵).

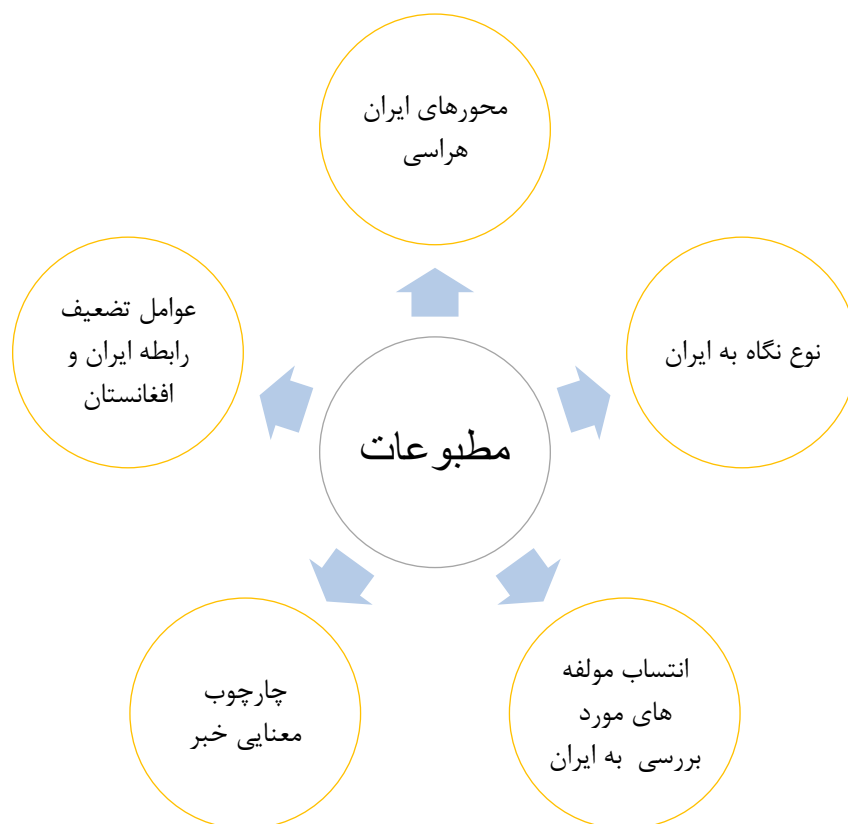
یکی از روش‌های درک ایران هراسی و ابعاد آن در کشور افغانستان مراجعه به محتوای رسانه های این کشور است. البته بررسی همه رسانه ها مقدور نیست از این رو با توجه به دسترسی

به روزنامه‌های این کشور به بررسی محتوای ۴ روزنامه می‌پردازیم. همان‌گونه که قبلاً بیان شد مقطع انتخاب شده صرفاً به سبب افزایش حجم مطالب این روزنامه‌ها در باره ایران است. در تحلیل محتوای کیفی ما با استخراج یک سری مقوله‌ها در کاربست این روش سروکار داریم که این مقوله‌ها گاه برخاسته از نظریه و مفاهیم موجود در آن است یا بسته به عنوان یا اهداف و سوالات تحقیق استخراج می‌شود. از این رو مقوله‌های این تحقیق بر پایه سوال‌ها و عنوان تحقیق و نظریه‌های موجود در رسانه‌ها استخراج گردیده است که در ادامه ذکر می‌شود. بر پایه عنوان و سوال تحقیق مولفه‌هایی چون "دلایل ایران‌هراسی در کشور افغانستان"، "دلایل ضعف رابطه ایران و افغانستان"، "پیامدهای ایران‌هراسی و رابطه نا مطلوب با کشورهای همسایه" و "نگرش سران افغانستان نسبت به ایران" استخراج گردیده است تا ضمن پاسخگویی به بعضی سوال‌های تحقیق، بازتاب آن در رسانه‌ها به عنوان زبان ایدئولوژی‌های مختلف سپهر سیاسی افغانستان و دلایل و پیامدهای ایران‌هراسی و نگرش مقامات کشور در قبال ایران مشخص گردد.

دسته دوم مولفه‌هایی است که از نظریه استخراج گردیده است. یک نظریه اصلی نیز که در باب رسانه‌ها و مطبوعات مطرح است نظریه **انگاره‌سازی** است. انگاره‌سازی به این مفهوم است که تصاویری که ما از پدیده‌ها، موضوع‌ها، اشیاء، شخصیت‌ها و رویدادهای محیط پیرامون خود در ذهن داریم مجموعه‌ای از انگاره‌ها را برای قضاوت درباره تصاویر جدید در اختیار ما می‌گذارند و هرگونه قضاوت درباره تصاویر و انگاره‌های جدید ما را به انگاره‌های قدیم که در ذهن داریم ارجاع می‌دهند در واقع ما همواره تصاویری را می‌بینیم که از آن یک ذهنیت خارجی داریم و انسان خالی‌الذهن قدرت تصویرسازی ندارد. کار اصلی این نظریه گزینش رویدادها و وقایع هستند و مفهوم گزینشگری نقش عمده‌ای در آن دارد، زیرا رسانه‌ها در هر حال و همیشه، خواسته یا ناخواسته مشغول تأکید نمودن یک مسئله و یا تأکید زدایی از آن

هستند و چارچوب‌هایی را برای انتقال معنا خلق می‌کنند. در این راه معمولاً سعی بر انتقال دیدگاهی خاص نسبت به یک پدیده، رویداد، کنش یا یک کشور دارند که رهیافت عقیدتی آنها در قبال آن را نشان می‌دهد. بر پایه این نظریه، مولفه‌های "چارچوب‌های معنایی"، "نوع نگاه به ایران" و "انتساب صفات مختلف به ایران" جهت شناخت انگاره رسانه‌ها در قبال ایران مورد استفاده قرار گرفت.

شاخص‌های مورد بررسی ایران هراسی در مطبوعات افغانستان



جدول شماره ۱: محور های ایران‌هراسی در کشور افغانستان

محور	گزاره
دخالت در امور افغانستان	<p>ایران به شیوه های مختلف از جمله حمایت از طالبان به مداخله در امور داخلی افغانستان می پردازد.</p> <p>بازیگران خارجی در میدان جنگ روانی افغانستان از جمله ایران با هدف تخریب روابط افغانستان با شریکان استراتژیکش چون ناتو و ایالات متحده ی امریکا انجام میشود.</p> <p>ایران برای جلوگیری از رشد داعش به هر ابزاری متوسل خواهد شد تاکنون از گروه طالبان استفاده نموده و در صورتی که تاریخ اهمیت گروه طالبان برای دولت ایران به پایان برسد، بعید نیست که گروه دیگری را برای دفع تهدیدات داعش در افغانستان جایگزین این گروه کند. در آن صورت، لشکر فاطمیون یک گروه مناسب برای دولت ایران به منظور جنگ با گروه داعش در افغانستان خواهد بود</p> <p>ایران افغانستان را به عنوان یک خط مرزی در نظر گرفته تا از طریق آن آمریکا را به چالش بکشد.</p> <p>ایرانی ها هیچ اهمیتی نمی دهند که بعد از خروج نیروهای امریکایی از افغانستان چه کسی خلا نظامی و اقتصادی را پر می کند، آنچه برای آنها اهمیت دارد تضعیف حضور آمریکا در منطقه است.</p>
رقابت ایدئولوژیکی	<p>ایران خود را حامی اقلیت شیعه در افغانستان می داند.</p> <p>تگاه ایران به شیعیان افغانستان مبتنی بر همبستگی و هم‌باوری مذهبی نیست بلکه هر جا ایرانیان از آن‌ها برای مقاصد سیاسی و نظامی‌شان استفاده می‌کنند به یک‌باره</p>

	<p>می‌کوشند که برخی از سهولت‌ها را برای‌شان فراهم سازند</p> <p>حمایت ایران از شیعیان افغانستان آن‌ها را در برابر حملات تندروان مذهبی وابسته به عربستان آسیب پذیر می‌سازد. حملات داعش بدون شک اگر از یک سو ناشی از شیعه‌ستیزی جریان‌های تندرو و بنیادگرا است ولی بدون شک مبتنی بر منافع و سیاست‌های عربستان سعودی نیز هست.</p> <p>ایران به دنبال نفوذ خود در افغانستان و منطقه با استفاده از مذهب است.</p>
حمایت از طالبان	<p>امروز ایران با برقراری رابطه با طالبان به ارباب افغانستان می‌پردازد.</p> <p>هدف ایران از حمایت طالبان از یک سو قصد خروج امریکا را از افغانستان دارد و از سویی دیگر اگر این گروه به قدرت برسد تبدیل به نیروی ضد ایرانی نشود و منافعش را تهدید نکند.</p>
فرقه‌گرایی در منطقه	<p>ایران در پنج سال گذشته مشغول ایجاد بی‌ثباتی و دامن زدن به تنش‌های فرقه‌ای در شمار زیادی از کشورهای خاورمیانه بوده است.</p> <p>دولت ایران با تشکیل این لشکر در پی منافع ملی و امنیت ملی خود در جنگ با کشورهای رقیب خود است.</p> <p>لشکر فاطمیون به مثابه "گوشت دم توپ" به میدان جنگ در این کشورها فرستاده میشود</p> <p>در افغانستان هم اگر منافع ایران اقتضا کند دور از ذهن نیست که این لشکر در این کشور دست به کار شوند.</p> <p>لشکر فاطمیون یک گروه سازمان یافته نظامی برای دفاع از منافع و امنیت ملی ایران</p>

	<p>در بیرون از این کشور است. مادامی که بدون دستور دولت ایران اقدامی انجام دهد منحل خواهد شد.</p> <p>هسته‌گذاری نظامی لشکر فاطمیون در افغانستان را تهدیدی بالقوه برای امنیت ملی این کشور تلقی کرده اند.</p>
--	--

بر اساس داده‌های جدول شماره ۱ شاهد استخراج مفاهیم و محورهای ایران‌هراسی هستیم که از جانب روزنامه‌های منتخب ذکر شده است. برای نمونه با عللی همچون "رقابت ایدئولوژیکی" و "فرقه‌گرایی در منطقه" مواجه هستیم؛ این دو مفهوم گویای غیریت‌بندی‌های ایدئولوژیک از حیثی دینی و قومیتی هستند که در آن ایران به واسطه شیعه‌ای و فارسی‌بودنش به عنوان خودی قلمداد گردیده و کشور افغانستان به ویژه بخش تسنن و غیر فارسی زبان (پشتون‌ها) غیر خودی قلمداد می‌گردند. از این موارد می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که اسلام مد نظر ایرانی‌ها اسلام تنش‌زا، یکه‌نگر و بسته است که تنها نگاه خود را صرف توجه به اقلیت فارسی زبان مسلمان شیعه می‌کند. هم‌نشینی این مفاهیم در کنار یک دیگر حامل معنایی مهمی از جمله ایران‌تروریست، اسلام شیعه و بسته، دشمن آمریکا و بنیادگرایی است و در این موارد نیز به دلیل تقابل ایران و آمریکا، آمریکا به عنوان دوست و ناجی و ایران به عنوان دشمن و تروریست قلمداد گردیده است.

جدول شماره ۲- نوع نگاه به ایران به تفکیک روزنامه

شرح گزاره	رویکرد	نام روزنامه
<p>- حتی یک مورد را به یاد ندارم که ایران بین سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۴ به طالبان کمک تسلیحاتی کرده باشد و یا تشکیلی به نام «شورای مشهد» وجود داشته باشد</p> <p>- ادعای هوک در پیوند با کمک تسلیحاتی ایران به طالبان دست کم بین سال‌های یاد شده، با اطلاعات مقام‌های امنیتی افغانستان هماهنگ نیست</p> <p>- هدف سفیر این بود که با تکیه به این چند عکس جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد فرا خوانده شود و ایران به دلیل نقض قطعنامه‌های این شورا در رابطه با عدم پشتیبانی از تروریسم، محکوم شود... من که می‌دانستم این ادعا واقعیت ندارد، به سفیر گفتم: آقای سفیر ما را به این مسایل نکشانید... اگر شما این موضوع را علنی کنید، ما حتماً تکذیب خواهیم کرد... بدین گونه آن معضل مطرح نشد.</p> <p>- ما نه می‌توانیم و نه هم به سود ماست که با پاکستان و یا ایران رابطه‌یی پُر از تنش داشته باشیم؛ به خصوص ایران که در سالیان اخیر در مبارزه مردم ما با تروریسم در کنارشان بوده است.</p> <p>- شاه حسین مرتضوی بر لزوم تقویت روابط با جمهوری</p>	<p>۳</p>	<p>ماندگار</p>

<p>اسلامی ایران تأکید کرد</p> <ul style="list-style-type: none"> - لشکر فاطمیون به عنوان تاثیرگذار ترین نیروهای رزمی جهان شناخته شده است - پایان جنگ افغانستان و خروج نیروهای ناتو به نفع ایران و روسیه ست - اگر کشورهای منطقه ایران و سایر در مبارزه با تروریسم کنار هم‌دیگر بودند هیچ نیازی به حضور نیروهای ناتو و غربی در افغانستان نبود. 		
<ul style="list-style-type: none"> - در تقابل با آمریکایی‌ها ایران به همراه روسیه در بر سر افغانستان محدودیت‌های فراوانی دارند - افغانستان برای ایران جز هلال شیعی ست و نمی‌تواند چشم بسته هزینه کند. - در طی تاثیر تنش‌های احتمالی بین ایران و آمریکا تعارض منافع این دو کشور در افغانستان می‌تواند روند‌های منفی در پی داشته باشد لذا افغانستان باید روابط خود را با همسایگان تحت تاثیر روابط با آمریکا تعریف نکند. 	<p>خنثی</p>	
<p>-</p>	<p>منفی</p>	
<p>-</p>	<p>مثبت</p>	<p>هشت صبح</p>

<p>- بیشتر همسایه‌های افغانستان امروز با کابل روابط محکم ندارند. در زمان حامد کرزی روابط با همسایه به استثنای پاکستان، بسیار بهتر از امروز بود. امروز ایران با برقراری رابطه با طالبان، به ارباب افغانستان می‌پردازد. تهران از نماینده‌گان طالبان میزبانی می‌کند و حتا رئیس جمهور اصلاح طلب و غیرایدیولوژیک آن کشور، در مورد آب چنان اظهار نظر می‌کند که موجب تنش بیشتر می‌شود. اظهارات رئیس جمهور روحانی نشان داد که تهران دیگر پروای روابط نیک و حسنه با کابل را ندارد. سفارت ایران در کابل تلاش کرد که اظهارات دکتر حسن روحانی را کم‌اهمیت جلوه دهد، اما سخنان رئیس جمهور ایران واضح است و نیاز به تفسیر و بازخوانی ندارد</p> <p>- ایران از مهاجرین به عنوان ابزار فشار علیه دولت افغانستان استفاده می‌کند.</p> <p>- هدف ایران از حمایت طالبان از یک سو قصد خروج امریکا را از افغانستان دارد و از سویی دیگر اگر این گروه به قدرت برسد تبدیل به نیروی ضد ایرانی نشود و منافعش را تهدید نکند.</p> <p>- اخراج مهاجرین از ایران به صورت اجباری صورت می‌گیرد که این مسئله همواره باعث نگرانی دولت افغانستان است.</p>	<p>منفی</p>	
--	-------------	--

<p>- اخراج مهاجرین از ایران با وجود فقر و بیکاری افغانستان را با فاجعه‌ی بزرگ انسانی مواجه خواهد کرد</p> <p>- ایران به دلیل دشمنی با امریکا سطح روابطشان را با طالبان بالا برده‌اند.</p> <p>- طالبان اعلام کرده بودند که یک هیأت آنان به تهران سفر کرده است تا با مقام‌های ایرانی در مورد وضعیت «مهاجران» صحبت کند. روشن بود که منظور طالبان از «مهاجران» افراد طالبان و خانواده‌های آنان بود که در ایران زندگی می‌کنند.</p> <p>- در سال ۲۰۰۲ جورج بوش، ایران را محور شرارت خواند در نتیجه ایران برای ضربه‌زدن به امریکا و دولت افغانستان، دست اتحاد به سوی طالبان دراز کند.</p> <p>- هدف جنگ روانی طالبان کمک حامیان منطقه ایش از جمله ایران، باهدف تضعیف حکومت و نهادهای امنیتی و دفاعی افغانستان، از هم پاشیدن شیرازه‌ی وحدت ملی افغانستان انجام میشود.</p> <p>- بازیگران خارجی در میدان جنگ روانی افغانستان منطقه از جمله ایران با هدف تخریب روابط افغانستان با شریکان استراتژیک کشور، چون ناتو و ایالات متحده‌ی امریکا انجام میشود.</p> <p>- دولت ایران با تشکیل این لشکر در پی منافع ملی و</p>		
--	--	--

<p>امنیت ملی خود در جنگ با کشورهای رقیب خود است.</p> <ul style="list-style-type: none">- لشکر فاطمیون به مثابه " گوشت دم توپ " به میدان جنگ در این کشورها فرستاده میشود- در افغانستان هم اگر منافع ایران اقتضا کند دور از دهن نیست که این لشکر در این کشور دست به کار شوند.- لشکر فاطمیون یک گروه سازمان یافته نظامی برای دفاع از منافع و امنیت ملی ایران در بیرون از این کشور است. مادامی که بدون دستور دولت ایران اقدامی انجام دهد منحل خواهد شد.- هسته گذاری نظامی لشکر فاطمیون در افغانستان را تهدیدی بالقوه برای امنیت ملی این کشور تلقی کرده اند.- خشی از جنگ گروه طالبان در راستای تامین مافع دولت ایران در افغانستان انجام میشود.- برد طالبان ، برد ایران است.- ایران برای جلوگیری از رشد داعش به هر ابزاری متوسل خواهد شد تاکنون از گروه طالبان استفاده نموده و در صورتی که تاریخ اهمیت گروه طالبان برای دولت ایران به پایان برسد، بعید نیست که گروه دیگری را برای دفع تهدیدات داعش در افغانستان جایگزین این گروه کند. در آن صورت، لشکر فاطمیون یک گروه مناسب برای دولت ایران به منظور جنگ با گروه داعش در		
---	--	--

<p>افغانستان خواهد بود</p> <ul style="list-style-type: none"> - سیاست ایران در حمایت از طالبان یک اشتباه محض است - ایران افغانستان را به عنوان یک خط مرزی در نظر گرفته تا از طریق آن آمریکا را به چالش بکشد. - روایت های جعلی ایران برای کمک به گروه طالبان، ادعا می کنند برای مقابله با داعش و دریافت معلومات از از اوضاع افغانستان با طالبان در ارتباط هستند - آموزش جنگجویان طالبان برعهده‌ی نیروهای ویژه‌ی تحت فرماندهی سپاه پاسداران است. دامنه، کیفیت و مدت این آموزش نظامی نشان می دهد که ایران به حضور خود در جنگ نیابتی با امریکا در افغانستان افزوده است. - حضور مهاجرین افغانستانی در ایران به این کشور حس برادر کلان داده لذا خود را مستحق دخالت در امور داخلی افغانستان می داند. - ایران بازی دوگانه ای در قبال افغانستان دارد : از یک طرف با حکومت در کابل همکاری می کند از طرفی دیگر از طالبان نیز حمایت مخفی می کند. - روابط پیچیده‌ی تهران و طالبان مصداق همان گفته‌ی معروف سیاسی است: دشمن دشمنم، دوست من است. 		
---	--	--

<p>- طی نشر نخستین خبرهای حضور داعش در افغانستان از ناحیه ی فراه، طالبان بیش از بیش از ناحیه ی ایران تقویت شد.</p> <p>- ایران مخالف حضور جامعه ی جهانی در افغانستان است.</p> <p>- نشست مسکو: نشست مسکو نه حامل پیام صلح بلکه ادامه جنگ و حمایت کشورهای مهم منطقه از یک گروه تروریستی در افغانستان بود.</p> <p>- طالبان موازی با سیاست‌های این کشورها، تلاش‌های سیاسی‌شان را معطوف به پایان حضور امریکا در افغانستان و تغییر رژیم سیاسی در کابل که گرایش غربی دارد، ساخته‌اند. این بیشتر از هر چیزی روس‌ها، چینی‌ها و ایرانی‌ها را به طالبان نزدیک گردانده است.</p> <p>- ایرانی‌ها هیچ اهمیتی نمی دهند که بعد از خروج نیروهای امریکایی از افغانستان چه کسی خلا نظامی و اقتصادی را پر می کند، آنچه برای آنها اهمیت دارد تضعیف حضور آمریکا در منطقه است.</p> <p>- ارگ پس از نشست مسکو باید متوجه این نکته نیز شده باشد که پدیده‌ای به نام «همکاری‌های منطقه‌ای» توهمی بیش نیست. آنچه واقعیت دارد رقابت کشورهای منطقه‌ای برای گسترش نفوذ و تعیین سرنوشت سیاسی</p>		
---	--	--

<p>افغانستان بر اساس منافع خودشان است.</p> <p>- تگاه ایران به شیعیان افغانستان مبتنی بر همبستگی و هم‌باوری مذهبی نیست بلکه هر جا ایرانیان از آن‌ها برای مقاصد سیاسی و نظامی‌شان استفاده می‌کنند به یک‌باره می‌کوشند که برخی از سهولت‌ها را برای‌شان فراهم سازند</p> <p>- حمایت ایران از شیعیان افغانستان آن‌ها را در برابر حملات تندروان مذهبی وابسته به عربستان آسیب‌پذیر می‌سازد. حملات داعش بدون شک اگر از یک‌سو ناشی از شیعه‌ستیزی جریان‌های تندرو و بنیادگرا است ولی بدون شک مبتنی بر منافع و سیاست‌های عربستان سعودی نیز هست.</p> <p>- ایران علاقه‌ای به پایداری دولت به شکل کنونی در افغانستان ندارد.</p> <p>- برخلاف ادعای ایران مبنی بر انگیزه‌های دینی-مذهبی مهاجرین برای شرکت در جنگ سوریه باید گفت که مهاجرین به علت، نداشتن مدارک اقامت و یا اقامت غیرقانونی، برخوردهای غیربشردوستانه و به علت صدها مجبوری اقتصادی و اجتماعی دیگر، ناگزیر به اشتراک در جنگ ناخواسته‌ی سوریه شده‌اند</p> <p>- هر نوع سازماندهی و تجهیز اتباع افغانستان برای جنگ</p>		
---	--	--

<p>سوریه؛ از یک طرف در مغایرت به اصول پذیرفته شده و تعهدات بین‌المللی طرفین است و از جانبی هم حملات بالایی اماکن مقدس اهل تشیع در افغانستان را شدت بخشیده، جو را برای جنگ‌های نیابتی قدرت‌های منطقه و فرامنطقه در افغانستان بیشتر از پیش هموار می‌کند</p> <p>- ایران یکی از کشورهایی است که تعداد قابل ملاحظه‌ای از شهروندان افغانستان در این کشور مهاجر شده‌اند. بارها از بدرفتاری سربازان و ماموران حکومتی ایران با مهاجران افغان در آن کشور گزارش شده است.</p> <p>- ایران به دنبال نفوذ خود در افغانستان و منطقه با استفاده از مذهب است.</p> <p>- تهران روی برگشت دوباره ی طالبان قمار می‌کند ایرانی‌ها اطمینان ندارند که افغانستان به کدام سمت می‌رود، به همین دلیل آنان روی طالبان حساب باز کرده‌اند</p> <p>- کارشناس امور طالبان که در غرب ساکن است می‌گوید: گر حمایت ایران نمی‌بود حملات تهاجمی طالبان، شاید به این گستردگی نمی‌بود.</p>		
<p>- قدرت مند شدن طالبان به معنای ادامه ی بیش تر بی‌ثباتی در افغانستان است که این به نوبت خود، باعث گسترش تجارت و قاچاق مواد مخدر و سرازیر شدن مهاجران</p>	<p>خشی</p>	

<p>افغان به خاک ایران می‌گردد و عواقب مستقیم و ویران‌گری برای آن کشور دارد</p>		
<p>- تهران با دولت افغانستان در کابل همکاری نزدیک داشته است، در کنفرانس ۲۰۰۱ بُن که در آن پایه های اولین حکومت پسا طالبان افغانستان گذاشته شد، مذاکره‌کنندگان ایران نقش مهمی را در رسیدن به توافق نهایی بازی کردند.</p> <p>- ایران و افغانستان توافق‌نامه‌ی همکاری استراتژیک را در سال ۲۰۱۳ امضا کردند. در سال ۲۰۱۶، ایران و افغانستان توافقی را با هند برای توسعه‌ی پروژه‌ی جدید دهلیز حمل و نقل که از بندر چابهار در جنوب ایران تا افغانستان امتداد دارد، به امضا رساندند.</p> <p>- دلایل پیامدهای مخرب و ناگوار - به خصوص سیل مهاجران و افزایش تجارت مواد مخدر - بی‌ثبات‌سازی افغانستان، به تهران دلیل خوب و قانع‌کننده‌ی می‌دهد که همکاری‌اش با کابل را برای ارتقای ثبات در افغانستان ادامه دهد.</p> <p>- مقام‌های ارشد امنیتی افغانستان و ایران روی مبارزه مشترک با تروریسم و همکاری‌های دو جانبه باهم گفت‌وگو کرده‌اند.</p> <p>- تصویب اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان</p>	<p>مثبت</p>	<p>اطلاعات روز</p>

<p>ایرانی با مردان خارجی و فرزندان شهدای غیر ایرانی</p> <p>- وزارت آموزش و پرورش ایران مکتبی را به نام «شهدای دانایی» به یاد شهدای دانش آموزان افغانستانی طی حمله‌ی انتحاری مدرسه‌ی موعود در غرب شهر کابل، نام‌گذاری کرده است.</p> <p>- وزارت آموزش و پرورش ایران در دو سال گذشته برای گسترش پوشش تحصیلی کودکان کمپینی را تحت عنوان از مهر جانمانند اجرا می‌کند که به گفته‌ی آقای بطحایی موجب افزایش ۳۰٪ پوشش تحصیلی کودکان اتباع خارجی در ایران شده است</p>		
<p>- وزارت خزانه‌داری امریکا و شش کشور خلیج فارس هفت تن از رهبران طالبان و دو افسر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به هدف «مختل کردن [روابط] بازیگران طالبان و حامیان ایرانی آن‌ها که به دنبال تضعیف امنیت دولت افغانستان هستند» تحریم کرد.</p> <p>- استیون منوچین وزیر خزانه‌داری ایالات متحده امریکا «ارائه آموزش نظامی، کمک مالی و تسلیحات از سوی ایران به طالبان» را به عنوان «یکی دیگر از مثال‌های آشکار مداخله‌ی تهران در منطقه و حمایت از تروریسم» توصیف کرد.</p> <p>- اظهارات وستایش محقق معون دوم ریاست جمهوری</p>	<p>منفی</p>	

<p>درکنفرانس بیداری اسلامی در مورد لشکر فاطمیان واکنش‌هایی در برداشت:</p> <ul style="list-style-type: none"> - این‌گونه اظهارات باعث جنگ‌های فرقه‌یی در کشور شده و همچنین کشور به میدان جنگ‌های نیابتی تبدیل خواهد شد. - باعث ایجاد آسیب جدی به مردم افغانستان می‌شود. - براساس گزارش دیده بان حقوق بشر، سپاه پاسداران ایران از سال ۲۰۱۳ میلادی تاکنون هزاران مهاجر افغان را که بدون مدرک و اقامت قانونی در ایران زندگی می‌کنند، استخدام و به جنگ سوریه اعزام کرده است. - در اعلامیه‌ی حزب اسلامی آمده است که «آن‌هایی که» افغان‌ها را به جنگ سوریه و عراق می‌فرستند در آینده از آنان در افغانستان به‌خاطر رسیدن به اهداف خود استفاده خواهند کرد 		
<ul style="list-style-type: none"> - واکنش ایران و مطبوعات ایران در ماجرای میرزااولنگ خیلی دیر نشان داده شد. اما تا حد زیادی همگی آن را محکوم کردند. اما یک روز یک روز بعد حتا خود مطبوعات جمهوری اسلامی ایران فراموش کردند. در این سکوت رازی نهفته بود. - داشتن یک دشمن مشترک [ایالات متحده] برای قرارداد ایران و طالبان در یک صف کافی است. 	<p>ختی</p>	

<p>- موضع کنونی واشنگتن در قبال ایران یک اشتباه بزرگ است؛ نه فقط به این خاطر که روابط با ناتو را تحت فشار قرار می دهد، تلاش های جهانی برای منع گسترش تسلیحات را نقب می زند و خطر بی ثباتی خاورمیانه را در پی دارد، بلکه عقب نشینی از توافق هسته یی و تحریم تهران می تواند باعث تشدید جنگ بی پایان امریکا در افغانستان، همسایه شرقی ایران، نیز شود</p>		
<p>- ثبت مثنوی معنوی مولانا جلال الدین بلخی به عنوان میراث فرهنگی بین سه کشور ایران افغانستان و ترکیه، به عنوان فرصتی بی نظیر برای تقویت برادری و همسویی و همبستگی فرهنگی - معنوی میان مردمان این سه کشور بسازند.</p> <p>- با گسترش روابط تاریخی و فرهنگی باهمه ی کشورهای منطقه و تقویت همکاری های اقتصادی می توان از خشونت ها و منازعات و احیانا جنگ های نیابتی حکومت وحدت ملی در روابطش با همسایگان از سیاست اقتصاد محور و مبتنی بر مشترکات فرهنگی و تاریخی پیروی می کند. جلوگیری کرد.</p> <p>- برگزاری نشست های مشترک علاوه بر دستاورد علمی و فرهنگی، برگسترش روابط و مناسبات بین دو کشور</p>	<p>مثبت</p>	<p>اصلاح</p>

<p>دوست و همسایه کمک می‌کند.</p> <p>- امضای تفاهم‌نامه همکاری در ایجاد دو مرکز فرهنگی در هرات و خراسان در راستای انسجام مسائل مربوط به فرهنگ و هنر دو کشور</p>		
<p>-</p>	<p>منفی</p>	
<p>-</p>	<p>خنثی</p>	

مطبوعات به عنوان ابزار بازسازی قدرت، اخبار و اطلاعات برجسته ایجاد می‌کند. به عبارتی اطلاعات درج شده ممکن است واقعیت نداشته باشد اما سردبیر بر اساس خط مشی‌های که وجود دارد آنها در راستای پیاده کردن این خط مشی‌ها، ارائه می‌دهد. دشمنان و رقبای ایران تلاش دارند در همه جای دنیا فضای رسانه‌ای را علیه ایران ترتیب دهند این مسئله‌ای کاملاً روشن است. براساس داده‌های جدول شماره ۲ در تفکیک نگاه روزنامه‌ها به ایران در سه سطح مثبت، منفی، خنثی در راستای پاسخگویی به سوال این پژوهش، آیا ایران‌هراسی در مطبوعات افغانستان بازتابی دارد. یا خیر پرداخته ایم.

- روزنامه‌ی ماندگار نسبت به ایران مثبت و در مواردی خنثی عمل می‌کند و تأکید زیادی بر گسترش سطح روابط دوستانه و مثبت دارد و ایران را به عنوان کشوری دوست و همیار در کنار مردم افغانستان و در مبارزه با تروریسم می‌داند. حتی موضعش در قبال لشکر فاطمیون مثبت است "لشکر فاطمیون به عنوان تاثیرگذارترین نیروهای رزمی جهان شناخته شده است".

- روزنامه‌ی اصلاح با نگاهی کاملاً مثبت بر اساس موارد مورد بحث، بر لزوم همکاری‌های فرهنگی بین ایران و افغانستان در جهت بهبود روابط تأکید دارد "

برگزاری نشست های مشترک علاوه بر دستاورد علمی و فرهنگی، برگسترش روابط و مناسبات بین دو کشور دوست و همسایه کمک می کند. "روزنامه اصلاح تا حد زیادی تلاش کرده است تا از حقانیت نظام مشروع افغانستان در برابر مخالفان مسلح و هراس افکنان بین المللی دفاع کند و درچارچوب سیاست های حکومت جمهوری اسلامی افغانستان به نشرش ادامه دهد." با گسترش روابط تاریخی و فرهنگی با همه ی کشورهای منطقه و تقویت همکاری های اقتصادی از خشونت ها و منازعات و احیانا جنگ های نیابتی حکومت وحدت ملی در روابطش با همسایگان از سیاست اقتصاد محور و مبتنی بر مشترکات فرهنگی و تاریخی پیروی می کند. جلوگیری کرد".

- روزنامه ی اطلاعات روز نیز مانند روزنامه ی ماندگار موضعی نسبتا خنثی را القا می کند اما در مواردی نیز ابعاد منفی حضور ایران را در افغانستان را بیان میدارد و در ذهن خواننده تصویر ایران را به عنوان کشوری که به دنبال تضعیف امنیت افغانستان است و گاهی هم به عنوان کشوری که به دلایل کاملا قانع کننده به دنبال ارتقای سطح همکاری خود با کابل جهت ثبات در افغانستان است، ایجاد می کند. لذا موضعی ثابت ندارد.

- روزنامه هشت صبح نگاهی کاملا منفی به ایران دارد گزاره های موجود نشاندهنده ی این امر است که تمامی واژگان منفی نسبت به ایران را چارچوب سازی می کند. کشوری که حامی تروریسم در سطح منطقه و افغانستان است و از مهاجرین به عنوان ابزار سیاسی خود برای رسیدن به اهدافش در داخل افغانستان میداند و ... به طوری کلی در پی تخریب چهره ی ایران بر میآید. لذا اشاره به این امر ضروری است که این روزنامه در ایران تحت سیاست فیلترینگ است. همچنین منتقدان و نیز نمایندگان ولسی جرگه معتقدند که این روزنامه وابسته به این کمیسیون و چند نهاد

خارجی مرتبط است و در برابر دریافت پول از این نهادها، متعهد به دنبال کردن سیاست‌ها و خواست‌های آنها در جریان کار رسانه‌ای خود می‌باشد. در گزاره‌های ایران را به عنوان کشوری مداخله‌گر می‌داند که به دنبال تامین منافع خود در افغانستان است از جمله مهمترین آن مقابله با آمریکا است لذا افغانستان را به عنوان نقطه‌ای مناسب جهت این رویارویی انتخاب کرده است که این موضوع به مردم افغانستان آسیب جدی‌ای وارد کرده و کشور را به میدان جنگ‌های نیابتی تبدیل خواهد شد. برای مثال گزاره‌ی " ارگ پس از نشست مسکو باید متوجه این نکته نیز شده باشد که پدیده‌ای به نام «همکاری‌های منطقه‌ای» توهمی بیش نیست. آنچه واقعیت دارد رقابت کشورهای منطقه‌ای برای گسترش نفوذ و تعیین سرنوشت سیاسی افغانستان بر اساس منافع خودشان است." گویای این امر است.

جدول شماره ۳-انتساب مولفه‌های مختلف به ایران در روزنامه‌های مورد بررسی

برادر، هم‌دین، هم‌فرهنگ، هم‌زبان، رابطه‌حسنة با افغانستان؛ حامی صلح و ثبات در کشور	مثبت	ماندگار
-	منفی	
-	مثبت	هشت صبح
عامل بی‌ثباتی و تضعیف دولت مرکزی، عامل تشدید جنگ در افغانستان، حامی تروریسم	منفی	
حامی ثبات در افغانستان، روابط حسنة با افغانستان	مثبت	اطلاعات روز
حامی تروریسم در منطقه افغانستان	منفی	
کشور برادر، هم‌فرهنگ، هم‌دین، هم‌زبان، کشور دوست.	مثبت	اصلاح

-	منفی
---	------

جدول شماره ۴- چارچوب معنایی خبر در تاکید بر ایران هراسی

تاکید بر رابطه حسنه و گسترش روابط با ایران	روزنامه‌های مورد مطالعه
اهداف منفعت طلبانه آمریکا در قبال ایران هراسی در منطقه	
ترسیم تبعات منفی ایران هراسی و جنگ در منطقه	

روزنامه‌های مورد بررسی در مقطع زمانی مورد مطالعه چارچوب‌های معنایی خبری در حول محورهای روابط دو جانبه ی تهران-کابل، تحلیل اهداف آمریکا در موضوع ایران هراسی و پیامدهای آن در افغانستان و در سطح منطقه ای را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند که البته رویکرد هر یک از آنها در این موضوعات به شرحی که بیان شد متفاوت از یکدیگر هستند.

جدول شماره ۵- عوامل موثر بر تضعیف رابطه ایران و افغانستان

موضوعات	نام روزنامه
- برخورد گزینشی مسئولین افغانستان در رابطه با قربانی شدن افغان‌ها در جنگ‌های ویرانگر نیابتی کشورهای دیگر، باعث آسیب دیدن روابط ما با کشور همسایه ما ایران شد و به نجات جان شهروندان افغانستان نیز کمک نکرد.	ماندگار
- میان افغانستان و ایران در مسایلی مانند آب، مهاجرین، مواد مخدر و مسایلی مانند آن تفاوت‌هایی وجود دارد اما ما باید با همسایه‌های خود در صلح، همکاری، حسن‌همجواری و احترام متقابل به حق	'''

حاکمیت همدیگر زندگی کنیم	
<p>- افغانستان در این میان می‌گوید که افغانستان به خاطر وابسته‌گی اقتصادی‌اش به امریکا، نمی‌تواند در سیاست خارجی‌اش در قبال ایران، تصمیم مستقلانه و بدون در نظر گرفتن منافع امریکا بگیرد</p>	<p>'''</p>
<p>- ایران هم مانند بسیاری از کشورهای منطقه منافع را در افغانستان برای خود تعریف نموده که براساس منافع رفتار کند اما این رفتار گاهی در تقابل با منافع مردم افغانستان است: حمایت از طالبان، تجهیز و آموزش آنان</p>	<p>هشت صبح</p>
<p>- صلح در افغانستان بدون در نظر داشت منافع کشورهای همسایه و منطقه در افغانستان میسر نمی‌شود و در این زمینه نقش ایران را نمی‌توان نادیده گرفت. با این حال دولت افغانستان جایگاه چندانی برای این همسایه در حل معادله‌ی صلح افغانستان قایل نبوده است. در این راستا نمی‌توان نقش امریکا و برخی از کشورهای غربی را در بی‌میلی افغانستان بی‌تأثیر دانست.</p>	<p>'''</p>
<p>- با وجود میراث‌های مشترک حوزه‌ی تمدنی دو کشور می‌توان گفت می‌توان گفت روابط دو کشور در سطح سیاسی و اداری باقی مانده است.</p>	<p>'''</p>
<p>- راه‌بردهای امنیتی، اقتصادی، مذهبی و اجتماعی ایران در قبال افغانستان در صورت عدم بازتعریف و اصلاح، می‌تواند آینده‌ی روابط دو همسایه را به قهقرا ببرد. به طوری که در این میان کاری از دست تاریخ، فرهنگ و زبان مشترک نیز برنیاید</p>	<p>'''</p>

<p>- همکاری ایران با افغانستان سبب می شود تا به نفوذ مشروع ایران در افغانستان صدمه نرسد</p> <p>- دوگانه بازی ایران در قبال افغانستان در حمایت از طالبان و حمایت از شیعیان افغانستان</p>	<p>'''</p>
<p>- روایاتی که توسط ایران و کشورهای دیگر از افغانستان ترویج می کنند : شامل غیر قابل اعتماد بودن افغانها، خو و طبیعت جنگ جویانه ی افغانها، نزاع های قومی و جنگ داخلی در صورت نبود دشمن خارجی در افغانستان، تقسیم افغانها به هویت های کوچک قومی و نهایتاً روایت این که افغانستان خاستگاه و جولانگاه مواد مخدر و جرایم سازمان یافته است، می باشد</p>	<p>'''</p>
<p>- وزیر امور خارجه ایران گفته است درمورد اختلافات آبی بر افغانستان فشار می اوریم واز می توانیم از اهرم های مراودات مرزی، مهاجران افغان، موضوع مواد مخدر و تجارت در مورد افغانستان استفاده کنیم.</p> <p>- ایران حمایت سیاسی از دولت افغانستان در کسب عضویت در میکانیزمها و سازمان های منطقه ای و جهانی را منوط به حل و فصل اختلافات آبی کرده است.</p> <p>- کشورش از اهرم های مختلف برای حل اختلافات بر سر حقابه رودخانه هلمند با افغانستان استفاده خواهد کرد. این مسئله باعث بروز چالش هایی در روابط بین این دو کشور شده است.</p>	<p>'''</p>
<p>- تقابل ایران و عربستان در سطح منطقه پی آمدهی جز تشدید</p>	<p>'''</p>

<p>اختلافات مذهبی و سازمان‌دهی حملات خون‌بار فرقه‌ای در افغانستان ندارد. اگر گروه‌های تندرو در افغانستان از تحرکات ایران و جریان‌های مذهبی وابسته به آن احساس خطر کنند بدون شک حملات فرقه‌ای‌شان را تشدید خواهند کرد که این واقعاً برای افغانستان عواقب فاجعه باری خواهد داشت.</p>	
<p>- فروپاشی اقتصادی ایران - بزرگ‌ترین شریک تجاری افغانستان - می‌تواند روابط تجاری کابل - تهران را نیز با چالش روبه‌رو کند.</p>	<p>اطلاعات روز</p>

ایران و افغانستان علی‌رغم دوره طولانی از روابط کمابیش دوستانه ی دو کشور، روابطشان همچنان در سطح قابل قبولی نیست و هر دو طرف انتظار دارند این روابط ارتقا یابد. با توجه به گزاره‌های جدول شماره ۵ بیشترین چالش در روابط ایران و افغانستان را باید در دو مورد عنوان کرد: نخست مسئله وضعیت سیاسی و داخلی افغانستان است و دوم نقش بازیگران خارجی در این کشور، برخی چالش‌های محیط زیستی و مهمترین آنها یعنی مسئله آب هیرمند و هریرود همیشه موضوع مورد اختلاف میان ایران و افغانستان بوده است. مسایل مربوط به آب و صحبت آقای روحانی درباره مدیریت آب افغانستان در سردی روابط کابل - تهران تاثیر گذار بوده است. همچنین سیاست‌هایی که ایران در قبال افغانستان که بعضاً به صورت دوگانه تعبیر شده است در ابعاد مختلف امنیتی، مذهبی سیاسی اقتصادی و اجتماعی در صورت عدم تعریف صحیح و اصلاح بر سطح روابط دو کشور تاثیر منفی ای خواهد داشت و باعث زمینه سازی در سیاست‌های مورد نظر مداخله گرانی که از تخریب و تضعیف روابط این دو کشور همسایه سود می‌برند، شود.

اقدامات ایران هراسانه در افغانستان:

در سال های اخیر شاهد وقایعی در افغانستان از جمله تظاهرات علیه ایران، و هم چنین استفاده از موضوع مهاجرین افغانستانی در ایران بر ضد این کشور بوده ایم که رنگ و بوی ضد ایرانی داشته و در چارچوب ایران هراسی قرار می گیرد. شواهد نشان می دهد آمریکا با اجیر کردن افرادی در پی ایجاد جریانات ضد شیعی و ضد ایرانی در افغانستان بوده و امکانات فراوان مالی و پشتیبانی را نیز در اختیارشان قرار می دهند. نجیب الله کابلی یکی از این عناصر افراطی می باشد که توانسته است با برپایی تجمعاتی به فضای ضدیت با جمهوری اسلامی ایران در افغانستان دامن بزند که بازتاب گسترده ای نیز در رسانه های افغانستان و بین المللی داشته است.

گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی افغانستان، نیز یک چهره ی شاخص دوره ی جهاد است که از همان ابتدا با رقیبان ایران مثل عربستان و پاکستان ارتباط داشته است. وی ایران را متهم به دخالت در امور داخلی افغانستان به خصوص در مسئله ی آب هیرمند، می کند (<http://www.bbc.com>). آقای حکمت یار در اجتماع هواداران خود در ولایت خوست به تندی از سیاست های ایران در منطقه انتقاد کرده و ایران را به همکاری با «دشمنان اسلام» متهم کرد. به گفته رهبر حزب اسلامی افغانستان ایران در اشغال عراق با آمریکا همکاری داشته است. به گفته گلبدین حکمتیار ایران نه تنها در عراق بلکه در سوریه و یمن نیز با آمریکا «دست به یکی» کرده است (<https://fa.euronews.com>).

محمد ابراهیم طاهریان سفیر سابق ایران در افغانستان و پاکستان معتقد است تظاهراتی که در افغانستان اتفاق افتاد پدیده ای است در راستای ایران هراسی بی تردید از سوی یک اتاق فکر هدایت و برنامه ریزی می شود. سید محمد علی رضوانی مدیر مسئول هفته نامه اقتدار ملی

افغانستان نیز شخص نجیب‌الله کابلی و شبکه‌ی تلویزیونی ضد ایران به نام امروز را صحنه گردان تظاهرات علیه ایران می‌داند و معتقد است این شبکه سابقه‌ی دامن زدن به اختلافات بین شیعه و سنی و ایجاد تنش در روابط افغانستان و همسایگان را دارد (روستایی، ۱۳۸۹: ۶۳).

بحران نزدیک به چهل‌ساله در افغانستان پیامدهای ناگوار زیادی برای این کشور داشته است. یکی از این پیامدهای ناگوار، مهاجرت‌های میلیونی مردم افغانستان به خارج بود. برخورد جامعه میزبان با پناهندگان در بسیاری موارد از سه ویژگی عمده برخوردار است نخست، حساسیت بخشی از جامعه میزبان نسبت به مقوله‌ی پناهندگی و شماری از پناهندگان و مقصر دانستن آن در بخشی از نابسامانی‌های اجتماعی اقتصادی و فرهنگی و حتی سیاسی؛ دوم، جهل نسبت به جامعه مهاجر و فرهنگ آن؛ و سوم تناقض در برخورد با پناهندگان یعنی از یک سو بهره‌برداری اقتصادی از آنها و از سوی دیگر ابراز نارضایتی از وجود آنها در جامعه میزبان. این روندها نه تنها در برخورد با مهاجرین ایرانی در سایر مناطق دنیا بلکه در برخورد ایرانی‌ها با جامعه افغانستانی نیز مشاهده می‌شود. بنابراین بر خلاف بسیاری از مطالعاتی که وجود مهاجرین را در جامعه میزبان مثبت ارزیابی میکنند، نگاه جامعه ایران به حضور افغانستانی‌ها بعضاً توأم با بیگانه‌گریزی، ترس و جهل است که در یکسان‌سازی و کلیشه‌سازی از همه آنها نمود می‌یابد (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۳).

تجربه یکی از نگارندگان به عنوان یک مهاجر متولد و بزرگ شده در ایران در تعامل با دستگاه‌های دولتی حکایت از آن دارد که در ایران نهاد‌های دولتی دچار مشکلاتی مانند ناهماهنگی و تعویض مکرر رویه‌ها و قوانین (در حوزه بانکی، اقامت تردد آموزشی، و سیاست‌گذاری در مورد مهاجرین) می‌باشند که همگی این موارد باعث می‌شود که خدماتی که ایران به صورت صادقانه می‌خواهد به مهاجرین ارائه کند به شکل نادرستی عرضه شود و یک ذهنیت منفی در نزد بسیاری از مهاجرین ایجاد می‌کند. این امر انعکاس گسترده‌ای در داخل

افغانستان داشته و بسیاری از مهاجرینی که به کشور برمی‌گردند عموماً با خاطره ای ناخوش از ایران خارج می‌شوند، مسائلی مانند طرد مهاجرین غیر قانونی، نوع برخورد ناشایست که برخی نیروهای انتظامی انجام می‌دهند، بزرگنمایی در مورد بزه کاری های مهاجرین افغانی در رسانه های ایرانی، و غیره باعث تلقی نادرستی از سیاست مهاجرتی ایران در قبال افغانستانی های مقیم ایران می‌شود که در داخل افغانستان در بخش های مختلف انعکاس وسیعی دارد. این مساله هم از ناحیه ی رسانه ها وهم بعضاً مقامات دولتی مطرح می‌شود که به نوبه خود بستری را در جهت دادن به ایران هراسی فراهم می‌کند.

عوامل تاثیرگذار بر ایران هراسی در افغانستان

ایران هراسی پدیده ای چند بعدی است که در پیوندی عمیق با موضوعات سیاسی و امنیتی قرار گرفته است. گفتمان ایران هراسی بیان کننده‌ی احساس مخالفت یا دشمنی با سیاست ها، فرهنگ ، جامعه ، اقتصاد یا نقش بین المللی ایران است. با این اوصاف نمی‌توانیم با تقلیل آن بر این ابعاد از ریشه های تاریخی ، فرهنگی و حتی سیاسی و بین المللی آن غافل شویم. این طرح برمبنای بزرگ نمایی برخی واقیعت های موجود منطقه به انضمام انواع دروغ پراکنی و دگرگون نمایی شکل گرفته است. در طول تاریخ بسیاری به ایران و تاریخ و فرهنگ ایران ابراز علاقه و یا تنفر نشان داده اند. بازتاب این امر تا بدانجاست که در آثارگذشتگان نیز برداشت یکسانی در باره‌ی ایران نمیتوان یافت. این تمایز برداشت از مفهوم و فرهنگ و سیاست ایرانی ریشه‌ی انشعابی از تصویر پردازی ایران است که تلاش دارد ایران را در پیوند با ضد ارزش های جامعه‌ی جهانی قرار دهد. این فرایند موضوعی است که تلاش می‌شود با مفهوم ایران هراسی معرفی گردد (سجاد پور، ۱۳۹۵: ۹). این مسئله در افغانستان در سه سطح قابل تحلیل است:

الف) عوامل تاثیر گذار بر ایران‌هراسی در سطح بین‌المللی: آمریکا

با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاهنشاهی در ایران متحد استراتژیک آمریکا، شاهد تغییر اساسی در سیاست خارجی ایران هستیم. مجموعه حوادثی مانند انقلاب اسلامی و نگاه ضد آمریکایی ایران پس از انقلاب ۵۷، تسخیر سفارت آمریکا و بحران گروگان‌گیری، منجر به ایجاد پدیده‌ی ایران‌هراسی توسط غرب به ویژه آمریکا شد. عناصر مهم هویتی انقلاب از جمله حمایت از مستضعفین و جنبش‌های آزادی‌بخش، حمایت از مسلمین و ملت‌های ستم‌دیده، نفی سلطه‌گری، عدالتخواهی و مهمترین عنصر هویتی جمهوری اسلامی استکبار ستیزی و مشخصاً آمریکا ستیزی بود که اوج تمایلات استکبار ستیزی در تسخیر سفارت آمریکا و گروگان‌گرفتن کارکنان سفارت نمود یافت. این مسئله همراه با سایر حوادث پس از انقلاب، مقابله به مثل آمریکا را در پی داشت. که از مهمترین راهبردهای آمریکا در مقابل ایران، راهبرد ایران‌هراسی بوده است که به طور پیوسته در سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی ایالات متحده پیگیری شده است. (سلیمان زاده، امیدی، یزدانی، ۱۳۹۷: ۹۹، ۱۰۰)

اهداف ایالات متحده در کشتن اسامه بن لادن، اشاعه‌ی دموکراسی در خاورمیانه و ایجاد حاکمیتی باثبات و مشروع هوادار غرب در افغانستان با دامنه‌ی نفوذ بر سراسر این کشور به رغم هزینه‌های سنگین و به کارگیری نیروی نظامی محقق نشد. به عبارتی پس از عدم موفقیت راهکارهای سخت که نتایج دلخواهی را به ارمغان بیاورد، بر راهکارهای نرم افزارانه تاکید شد. رویکرد استفاده از قدرت نرم در برخورد با ایران، توسط موسسات فکری مختلفی پیگیری می‌شود. در این بین "شورای انگلیسی-آمریکایی اطلاعات امنیتی" و "انديشکده‌ی بروکینگز" معتقدند که دولت آمریکا در افغانستان باید در برخورد با ایران به شیوه‌های نرم روی آورد. بر این اساس از مهمترین روش‌های به کار گرفته شده توسط آمریکایی‌ها جهت

تقابل نرم افزاری با ایران هدف می‌توان به رواج ایران هراسی در منطقه و اجرای برنامه‌های تبلیغاتی بسیار گسترده علیه نظام در سطح بین الملل اشاره کرد (<http://www.hamshahrionline.ir>)

بخشی از سیاست نرم افزاران امریکا در افغانستان و عراق به دنبال قطع پیوند این کشورها با ایران است (Thaler, 2008: 76, 77). به عبارتی واشنگتن سعی دارد تا نفوذ امریکا را با نفوذ سنتی و فرهنگی و تاریخی ایران به شیوه‌های زیر جایگزین کند.

- ادعای هژمون گرایی ایران
 - اتهام فرقه گرایی (جنگ شیعه و سنی)
 - سپاه هراسی
 - لشکر فاطمیون
 - فضا سازی ایران ستیزانه در موضوع ارتباطات ایران با طالبان
 - ادعای ارتباط ایران با باندهای قاچاق مواد مخدر
- این ادعاها بخشی از سیاست ایران هراسی از سوی آمریکا است که هنوز هم ادامه دارد.

ب) عوامل منطقه ای موثر در ایران هراسی در افغانستان

سیاست مهار ایران و به وجود آوردن وضعیت بحران زایی مداوم در مجاور مرزهای جمهوری اسلامی ایران به عنوان سیاست استراتژیک آمریکا در منطقه از سوی هم پیمانان منطقه ای اش نیز دنبال می‌شود. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران به دلیل پیوندهای تاریخی و فرهنگی با ملت افغانستان و کشورهای آسیای میانه از زمینه‌ها و امکانات وسیعی برای نفوذ و اشاعه تمدن فرهنگی منطقه ای برخوردار است، کشورهای پاکستان و عربستان با همیاری آمریکا با تمام توان در مسیر راه اندازی این پروژه سدسازی نموده و با حمایت از یک جریان سنتی و متعصب و ناسازگار با ایران در افغانستان تلاش دارند تا نه تنها ایران اسلامی را از

تعقیب این فرآیند انسانی و تاریخی دور نگه دارند بلکه همچنین با ایجاد کانونی بحران را در مرزهای شرقی اش امنیت ملی ایران را مورد تهدید دائم قرار دهند (رنجبر، ۱۳۹۰: ۱۸۱).

اقدامات رقبای منطقه ای ایران در قدرت یابی مجدد طالبان و تاثیر آن بر روند ایران‌هراسی عبارتند از:

۱- گسترش پشتون‌های تند رو و بنیادگرا در افغانستان به تضعیف جایگاه فارسی‌زبانان و شیعیان این کشور منجر می‌شود که این مسئله باعث تضعیف "مدنیت آریایی-ایرانی" را که در هیچ کشور دیگری غیر از ایران و افغانستان باقی نمانده، فراهم می‌کند. تبعات ایدئولوژیک و فرهنگ منفی این امر موجب کاهش حضور سیاسی ایران در افغانستان خواهد شد.

۲- گسترش بنیادگرایی و طالبانیسم در منطقه موجب افزایش نفوذ رقبای ایدئولوژیک و استراتژیک ایران (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، پاکستان) در افغانستان خواهد شد.

۳- مناسبات فرهنگی دو کشور به میزان قابل توجهی کاهش خواهد یافت و به تدریج موجب انقراض زبان فارسی و تمدن مشترک خواهد شد.

۴- همچنین بازگشت طالبان به ساختار قدرت سیاسی افغانستان موجب بالا رفتن هزینه‌های ایران برای تأمین امنیت در مرزهای شرقی خواهد شد.

۵- نفوذ بیشتر طالبان در افغانستان و سهم‌گیری احتمالی آنها در ساختار قدرت افغانستان موجب تضعیف معاهدات دوجانبه به ویژه تشدید اختلاف در میزان حق آبه رودخانه هیرمند در مرز سیستان و بلوچستان خواهد شد. چنانچه در دوره حکومت طالبان چنین معضلی بروز نمود و ضربات شدیدی به کشاورزی و اقتصاد شرق و جنوب شرق ایران وارد آورد (تمنا، ۱۳۸۷: ۷۱).

ج) عوامل داخلی ایران هراسی در افغانستان: از جمله عوامل موثری که به فرآیند ایران

هراسی دامن می‌زند، عبارتند از:

- روی کار آمدن دولت غربگرا: آمریکا تلاش می‌نماید که با نفوذ سیاسی خود در افغانستان، بخشی از کاهش نیروها و حضور نظامی را جبران کند. همچنین افغانستان به علت ضعف زیربنایی اقتصادی، کشوری وابسته است که برای تامین نیازهایش همواره چشم به کشورهای خارجی دارد و دولت‌ها مجبورند برای رسیدن به قدرت و استمرار حکومت خود با غرب همکاری کنند. از مجموع این شواهد و وضعیت کنونی افغانستان چنین برداشت می‌شود که آمریکا به هیچ وجه حاضر به از دست دادن نفوذ سیاسی خود نخواهد بود و از همین رو همواره تلاش دارد دولت‌هایی با گرایش به غرب در افغانستان به قدرت برسند، بنابراین ظهور دولتی با گرایش‌های غربی و تحت فشار و نفوذ آمریکا می‌تواند از مصادیق موارد ایجاد بحران در روابط ایران و افغانستان به ویژه در مسائل مرزی باشد (صفوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۶).
- تحرکات جریان افراطی پشتون: ایران و افغانستان به عنوان دو کشور هم‌بوم و هم‌تبار می‌باشند. اما امروزه دست‌هایی در کار است تا از نفوذ سیاسی فرهنگی ایران در افغانستان بکاهد و می‌خواهند افغانستان به سمت تمدن‌گریزی سوق داده شود که در این مورد عامل پشتون‌گرایی استفاده می‌شود. این عامل در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل بررسی می‌باشد، پشتونیست‌های داخلی با استناد بر اینکه قوم پشتون‌ها حاکمیتی تام در سرزمین افغانستان داشته‌اند خواستار تمکین دیگر گروه‌های قومی افغانستان می‌باشند.
- در بعد منطقه‌ای پاکستان با توجه به این که از بدو استقلال با معضل پشتونان در سرزمین خود مواجه بوده به منظور دلجویی از پشتون‌های کشور خود به پشتون‌گرایی در

افغانستان دامن می‌زند در کل پاکستان با حمایت از پشتون‌های افغانستان از طرفی مشکلات خود را به طور موقت حل کرده و از سویی دیگر موانع عمده‌ای بر سر راه اهداف سیاسی فرهنگی ایران ایجاد می‌کند (گودرزی، ۱۲۹، ۱۲۷: ۱۳۷۹). عربستان سعودی به عنوان بازیگری دیگر در سطح منطقه که از طریق مذهب به پشتون‌گرایی در افغانستان دامن می‌زند. پشتون‌ها به مثابه‌ی جبهه‌ای در مقابل شیعیان افغانستان تلقی می‌شوند و عربستان تقویت این جبهه را به مثابه تقویت جناح مخالف ایران قلمداد می‌کند. در بعد بین‌المللی، هدف ایالات متحده آمریکا از تقویت پشتون‌گرایی در افغانستان چیزی جز مقابله با جمهوری اسلامی ایران نیست. در نتیجه؛ مخالفین جمهوری اسلامی ایران با شاخص جلوه دادن پشتونها و فرهنگ پشتون به مقابله با فرهنگ دری و زبان فارسی می‌پردازند تا از این طریق مانع نفوذ فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان شوند (گودرزی، ۱۳۷۹: ۱۳۰-۳۱).

- اتهام جریان غربگرا مبنی بر استفاده ابزاری ایران از شیعیان افغانستان: یکی از مهمترین حلقه‌های ارتباطی بین ایران و افغانستان، شیعیان هستند که حدود یک پنجم جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و به نوعی کانون نفوذ و لابی ایران در افغانستان تلقی می‌گردند. شیعیان افغانستانی نیز ایران را مهمترین حامی خود در محیط داخلی افغانستان به حساب می‌آورند (علی‌آبادی، ۲۴۰: ۱۳۷۵). تصور حاکم بر اندیشه مقامات و همچنین اقوام تاجیک و پشتون افغانستان این است که ایران و شیعیان سود متقابل به یکدیگر می‌رسانند. ایران از شیعیان برای بسط حوزه و نفوذ خود در افغانستان استفاده می‌کند.

نتیجه‌گیری و ارائه راهکار:

این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش برآمد که مهمترین عوامل تاثیرگذار بر شکل‌گیری ایران‌هراسی در افغانستان پس از حمله‌ی آمریکا در سال ۲۰۰۱ تاکنون کدام است؟ با استفاده از روش تحلیل محتوا و مطالعه ۴ روزنامه مهم افغانستان در مقطع سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ فرضیه مقاله یعنی "سیاست‌های ضد ایرانی کشورهای فرامنطقه‌ای (عمدتا آمریکا) و منطقه‌ای (عمدتا عربستان سعودی و پاکستان) و عوامل داخلی، عامل اصلی شکل‌گیری و گسترش ایران‌هراسی در افغانستان می‌باشد"، مورد تایید قرار گرفت. همچنین این ادعا که سیاست‌های غیرمنسجم و بعضا نادرست ایران در قبال مهاجرین افغانستانی عامل دیگری در راستای شکل‌گیری فرآیند ایران‌هراسی در افغانستان می‌باشد نیز مورد بررسی و تایید واقع شد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پدیده‌ی ایران‌هراسی مقوله‌ی نوپدید و در عین حال رو به رشدی در افغانستان می‌باشد که البته عمدتا متأثر از نقش آفرینی کنشگران رقیب در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای و برخی عوامل داخلی مانند تنوعات قومی مذهبی و زبانی در افغانستان می‌باشد روشن است که ایران و افغانستان، منافع کلان و راهبردی دارند که ضرورت توسعه همکاری‌ها در تمامی بخش‌ها را توجیه می‌کند؛ اما در این میان، کسانی نیز هستند که برای آنها نه منافع افغانستان و نه منافع ایران، هیچ اهمیتی ندارد؛ بلکه آنچه مهم است، تخریب این رابطه و ایجاد تنش و تشنج میان دو همسایه است؛ تا از این رهگذر به دنبال اهداف خویش باشند. آمریکا با کمک هدف انزوای سیاسی ایران و نشان دادن چهره‌ی مخرب و نادرست از ایران (راهبرد ایران‌هراسی) با طرح اتهاماتی سعی بر کاهش نقش و نفوذ ایران در افغانستان دارد و در این راستا با بهره‌گیری از متحدین منطقه‌ای خود (عربستان سعودی و پاکستان) در جهت پیاده‌سازی منافع خود گام برمی‌دارد که نمونه آن را می‌توان در تقویت جریان پشتونیزم و حمایت از عناصر و گروه‌های افراطی ضد زبان فارسی و تشیع، گروه‌های افراطی سلفی و غیره مشاهده نمود. به نظر می‌رسد احتمال تشدید این روند در

سال‌های آینده قابل‌پیش‌بینی‌ست، زیرا بازیگرانی مانند عربستان سعودی، آمریکا و امارات از تعارض و تنش‌های خود با ایران نکاسته‌اند و در صدد تشدید فشار بر ایران هستند و تخریب‌وجبه‌ی ایران در افغانستان می‌تواند به اهداف آنها کمک کند. همچنین انعکاس سیاست‌های ایران در قبال مهاجرین به عنوان محوری دیگر در راستای ایران‌هراسی‌ست. البته نمی‌توان تحولات رخ داده در افغانستان را تنها ناشی از سیاست‌های بازیگران خارجی دانست و به بازیگران داخلی بی‌توجه بود. بطور حتم بخشی از تحولات سیاسی افغانستان برآمده از سیاست‌ها، منافع و گرایش‌های فکری، مذهبی و سیاسی بازیگران داخلی است. با توجه به این مسئله با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به بررسی و استخراج مفاهیم و محورهای ایران‌هراسی در رسانه‌های مکتوب (روزنامه ماندگار، اطلاعات روز، اصلاح و هشت صبح) افغانستان پرداختیم. اساساً ارائه‌ی تصویر در ایجاد هراس در هر بحثی عنصر تاثیرگذار اصلی، رسانه‌ست. رسانه است که مشخص می‌کند که فعالیت‌ها یا تصویری مثبت یا منفی در افکار عمومی ایجاد می‌کند یا خیر. حضور امنیتی ایران در جامعه افغانستان برای پیگیری منافع ملی خودش، مهمترین عنصر استفاده شده توسط رسانه هاست. محل‌گذر تمامی سطوحی که موجب زمینه‌سازی ایران‌هراسی در افغانستان می‌شود رسانه است به عبارتی ازدل رسانه است که تمامی این عوامل به هراس، نفرت یا بدفهمی روابط تبدیل می‌شود در واقع گزاره‌های استخراج شده گویای آن هستند که هر سه سطح داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی بر رویکردها و سیاست‌های دولت افغانستان در برابر ایران و به تبع در موضوع ایران‌هراسی تاثیرگذاری بالایی دارند. که در این بین رسانه‌ی مکتوب هشت صبح گزینه‌ای مناسب در این امر است.

پیامدهای ایران‌هراسی برای ایران عبارتند از گسترش پشتون‌های تندرو و بنیادگرا در افغانستان به تضعیف جایگاه فارسی‌زبانان و شیعیان این کشور منجر می‌شود که این مسئله تضعیف "مدنیت آریایی-ایرانی" را که در هیچ کشور دیگری غیر از ایران و افغانستان باقی

نمانده، فراهم می‌کند. مناسبات فرهنگی دو کشور به میزان قابل توجهی کاهش خواهد یافت و به تدریج موجب انقراض زبان فارسی و تمدن مشترک خواهد شد. تبعات ایدئولوژیک و فرهنگ منفی این امر موجب کاهش حضور سیاسی ایران در افغانستان خواهد شد. گسترش بنیادگرایی در منطقه موجب افزایش نفوذ رقبای ایدئولوژیک و استراتژیک ایران (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، پاکستان) در افغانستان خواهد شد. همچنین در صورت تحقق سناریوی مطلوب آمریکا، عربستان و پاکستان در حذف ایران در روند صلح و بازگرداندن طالبان به ساختار قدرت سیاسی افغانستان بدون در نظر داشتن ملاحظات ایران این امر موجب بالا رفتن هزینه‌های ایران برای تأمین امنیت در مرزهای شرقی خواهد شد. بنا بر تجربه‌ی دهه‌ی ۱۹۹۰ نفوذ بیشتر طالبان در افغانستان و سهم‌گیری احتمالی آنها در ساختار قدرت افغانستان می‌تواند موجب تضعیف معاهدات دوجانبه به ویژه تشدید اختلاف در میزان حق آبه رودخانه هیرمند در مرز سیستان و بلوچستان شود. چنانچه در دوره حکومت طالبان چنین معضلی بروز نمود و ضربات شدیدی به توسعه اقتصادی و سیاسی شرق و جنوب شرق ایران وارد آورد.

دیپلماسی عمومی ایران در افغانستان می‌تواند به عنوان راهکاری برای مقابله با فرآیند ایران‌هراسی مورد توجه قرار گیرد. دیپلماسی عمومی مهم‌ترین گام برای تأمین منافع ملی، اعتمادسازی، احیای ظرفیت‌ها و بهره‌گیری از موقعیت‌ها است. دیپلماسی عمومی هدف روشن‌گری دارد و تأثیر و تأثر آن بر افکار عمومی به صورت دو سویه است. گاه می‌تواند به تبیین ایدئولوژی در برابر مخاطب پردازد و گاه می‌تواند در اندیشه او نفوذ کند. تصرف ذهن مخاطب مهم‌ترین بخش دیپلماسی عمومی است که با فنون خاص خود انجام می‌شود. در واقع می‌توان گفت، دیپلماسی عمومی با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهان از طریق کنترل ایده‌ها، باورها و هنجارها و در نهایت شکل‌دهی ایستارها و رفتارها در راستای

اهداف مورد نظر صورت می‌گیرد و از طریق رسانه‌های گروهی و به طور کلی با کمک ابزارهای فرهنگی و اطلاعاتی عمل می‌کند.

راهکارهای پیشنهادی عبارتند از :

۱. تقویت دیپلماسی عمومی ایران در افغانستان و گسترش تعامل با اصحاب رسانه و فعالین فضای مجازی.
۲. افزایش فعالیت و همکاری‌های منطقه‌ای در موضوع ثبات‌سازی و امنیت‌سازی در افغانستان به منظور مقابله با اتهام یکجانبه‌گرایی ایران در افغانستان.
۳. شفافیت در مورد نحوه ارتباط با طالبان و هماهنگی بیشتر با دولت مرکزی در کابل.
۴. تعامل بیشتر با نخبگان پشتون برای ترمیم تصویر ایران.

- آدمی علی، حبیبی سید مهدی، بخشی تلپایی رامین (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و پروژه ایران هراسی دولت های عربی منطقه، پژوهش نامه انقلاب اسلامی، دور یک، شماره دوم.
- اکبری کریم آبادی نور الدین (۱۳۹۳)، نقش رسانه های غربی در شکل گیری پدیده ی ایران هراسی، مقالات پانزده خرداد، سال یازدهم شماره ۳۹.
- تمنا، فرامرز (۱۳۸۷)، افغانستان جدید و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- چگنی زاده غلام علی، تیشه یار ماندانا، رحیمی سردارمحمد (۱۳۹۷)، ادراک نخبگان افغانستان از جمهوری اسلامی ایران، انسیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، کابل.
- رنجبر، رضا (۱۳۹۰)، تاثیر قدرت گیری طالبان در افغانستان بر مناسبات سیاسی ایران و پاکستان از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸. پایان نامه کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- روستایی، مریم (۱۳۸۹)، ریشه های تظاهرات علیه ایران در افغانستان، چشم انداز ایران.
- سجادپور، سید محمد کاظم (۱۳۹۵)، گفتمان فرهنگی برای ارائه ی تصویر ایران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- سلیمان زاده، سعید، علی امیدی و عنایت الله یزدانی (۱۳۹۷)، تحلیل سازه انگارانه ایران هراسی در سیاست خارجی آمریکا در دوران پسابرجام، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۴، بهار.
- شریعتی نیا، محسن (۱۳۸۹)، ایران هراسی دلایل و پیامدها، فصلنامه ی روابط خارجی، سال دوم شماره ششم.
- صفوی، یحیی، محمد حسن نامی و نسب عبدالله جلالی (۱۳۹۵)، جغرافیای امنیتی مرز ایران و افغانستان و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران، فصلنامه ی راهبرد دفاعی، سال چهاردهم، شماره ۵۳، بهار.
- صادقی، فاطمه (۱۳۸۶)، دولت ایران و مهاجرین افغان: تغییر سیاست و تحول هویت، فصلنامه گفتگو، شماره ۵۰، دی ماه.
- علی آبادی، علیرضا (۱۳۷۵)، افغانستان، تهران: وزارت امور خارجه، موسسه ی چاپ و انتشارات.

- گودرزی طاقانکی، یدالله (۱۳۷۹)، *منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و تحولات اخیر افغانستان (۱۹۹۴ تاکنون)*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- مرشدی‌زاد، علی (۱۳۸۸)، *تبعیض و ناشکیبایی علیه مسلمانان در اتحادیه اروپا بعد از یازده سپتامبر*، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- Ram, Haggai (2008), *Iranophobia: The Logic of an Israeli Obsession*, Stanford: Stanford University Press.
- Thaler, David, "Future US security Relation with Iraq and Afghanistan", National Defense Research Institute, RAND Corporation, available at: <http://rand.org>.

سایت‌ها:

- <http://www.hamshahrionline.ir>
- <http://www.bbc.com>
- <https://fa.euronews.com>

روزنامه‌ها:

- <https://mandegardaily.com>
- <https://etilaatroz.com/>
- <http://moic.gov.af/fa/Page/1294>